



ادبیات تطبیقی کودکان. اثر ایمر اسالیوان. ترجمهٔ مریم جلالی و محبوبه فرهنگی. چاپ اول. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۸. ۳۵۲ صفحه، شابک ۰-۰۵۷۳-۰۱-۶۰۰-۹۷۸، ۵۵۰۰۰ تومان.

کتاب *ادبیات تطبیقی کودکان*^۱ به قلم ایمر اسالیوان^۲، رسالهٔ فوق دکتری وی به زبان آلمانی تحت عنوان *komparatistik kinderliterarische* برای دریافت کرسی استادی در نظام دانشگاهی آلمان بوده که انتشارات دانشگاه سی. وینتر آن را در هایدلبرگ منتشر کرده است. این کتاب، به همت مؤلف از زبان آلمانی به انگلیسی و به کوشش مریم جلالی و محبوبه فرهنگی از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده و نخستین چاپ آن، در قطع رقعی و جلد شومیز شامل ۳۵۲ صفحه، در سال ۱۳۹۸ از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است. این اثر در سال ۲۰۰۱ از سوی انجمن جهانی پژوهش در ادبیات کودک، به عنوان پژوهش برتر انتخاب شد و جایزهٔ دوسالانهٔ این انجمن را از آن خود ساخت. پژوهش‌های اسالیوان (۲۰۰۲، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱)، استمرار تلاش‌های وی را در حوزهٔ ادبیات کودک و مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد. کتاب حاضر، با موضوع مطالعات تطبیقی ادبیات کودک و نوجوان، بر روشی استوار است که هم مبانی نظری و هم بحث‌های کاربردی را شامل می‌شود. در نوشتار حاضر، ساختار و محتوای کتاب پیش‌گفته بررسی شده است.

ترجمه‌های مجموعهٔ «نظریهٔ ادبیات کودک و مفهوم کودکی» با انگیزهٔ فراهم کردن زمینه‌های گفت‌وگو میان پژوهش‌گران، منتقدان و صاحب‌نظران ادبیات کودک در ایران و جهان طبق برنامه‌های منسجم انتشار یافته است و این مسیر ادامه دارد. ضرورت مطالعه و نیاز به کسب آگاهی از منبع‌های معتبر و به‌روز در زمینهٔ ادبیات کودک و نوجوان، اهمیت ترجمه‌های این مجموعه را آشکار می‌کند. کتاب‌هایی که ترجمه شده‌اند، در شمار بنیادی‌ترین آثار نظری در زمینه نقد و نظریهٔ ادبیات کودک و مفهوم کودکی و نوجوانی بوده‌اند. طلیعهٔ این طرح از کتاب *دیگرخوانی‌های ناگزیر: رویکردهای نقد و نظریهٔ ادبیات کودک*، به همت خسرو نژاد و پورگیو در مرکز مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز دمیده شد؛ یکی از کتاب‌های مهم طرح

¹ *Comparative Children's Literature*

² Emer O'Sullivan

مذکور، ادبیات تطبیقی کودکان اثر ایمر اسالیوان است. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شورای نظری این مؤسسه که طرح ترجمه کتاب‌های این مجموعه و منبع‌های پیشنهادی را پذیرفته بودند، نسبت به انتشار این کتاب نیز همت گماشتند.

ساختار و محتوای کتاب

کتاب پیش‌رو، از یک مقدمه به قلم خسرو نژاد و پورگیو، فهرست مطالب شامل شش فصل، درآمد مؤلف، مقدمه، فصل‌های کتاب، یادداشت‌ها، کتاب‌شناسی، واژه‌نامه‌های فارسی به انگلیسی و برعکس، لاتین‌نوشت نام‌های خاص (کسان، جاها، مقاله‌ها، کتاب‌ها) و فهرست تصویرها تشکیل می‌شود.

در مقدمه کتاب، مؤلف تاریخچه‌ای از تحولات بعد از جنگ جهانی دوم ارائه می‌کند؛ بعد از این تاریخ، ادبیات کودک توانست نویدبخش آرمان‌شهر «جمهوری جهانی کودکی» باشد. فراروی ادبیات کودک از مرزهای زبانی و فرهنگی سبب شد عرصه مناسبی برای پژوهش‌های تطبیقی فراهم شود. مؤلف کوشیده است طی شش فصل به بسترسازی پردازد تا دسته‌بندی‌های خود را مطرح کند.

فصل اول

مؤلف در این فصل تحت عنوان «ادبیات تطبیقی و ادبیات کودک» و زیرعنوان‌های «بافت تطبیقی»، «پل هزرد: متخصص ادبیات تطبیقی، ادبیات کودک را برمی‌گزیند» و «رویکردهایی به ادبیات تطبیقی کودکان»، به مطالعات موجود در این زمینه می‌پردازد که دربردارنده بررسی انتقادی و تاریخی کوتاه سوابق دوران پس از جنگ و پیشینه پژوهش‌های تطبیقی سی سال منتهی به زمان تألیف کتاب است که با جریان‌های جهان‌گرایانه پرشوری متأثر از ایده فراملی جمهوری جهانی کودکی است.

فصل دوم

خواننده در فصل دوم، تحت عنوان «حوزه‌های بنیادین ادبیات تطبیقی کودکان»، با نه حوزه بنیادین مواجه می‌شود که مؤلف به عنوان قلمرو ادبیات تطبیقی کودکان برمی‌سازد:

۱. نظریه ادبیات کودک^۱: در این دسته از مطالعات، تأکید بر وابستگی ادبیات کودک به حوزه‌های فرهنگی جهت اجتماعی کردن مخاطب است. به دلیل تفاوت ادبیات

^۱ General Theory of Children's Literature

کودک با ادبیات بزرگسال، نقد و نظریه‌های آن نیز جنبه‌های منحصر به خود را دارد؛ چراکه میان دو طرف ارتباط بزرگسال و کودک، ارتباطی ناهم‌سطح برقرار است. الگوی چپمن^۱ این ارتباط را به صورت زیر نمودار می‌سازد:

متن روایی

نویسنده واقعی ← نویسنده مستتر ← راوی ← مخاطب روایت ← خواننده مستتر ← خواننده واقعی

مدل ارتباطی الگوی چپمن (خسرو نژاد ۱۳۸۳: ۲۵؛ اسالیوان ۱۳۹۸: ۳۲)

۲. مطالعات ارتباطی و انتقالی: این دسته، به حوزه تأثیر و تأثر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی شباهت دارد؛ چراکه این حوزه به ترجمه، دریافت و تأثیر و مقایسه ارتباط نویسندگان یا تأثیر آن‌ها بر هم و در آثارشان، مقایسه‌های گونه‌شناسی معطوف به همانندی‌ها و روندهای موازی ادبیات کودک کشورهای گوناگون و مقایسه روش‌های بینامتنی مربوط می‌شود.

۳. بوطیقای تطبیقی: در این حوزه به عنصرهای زیبایی‌شناختی و شکل‌های ادبی ادبیات کودک می‌پردازند و ادبیات تطبیقی کودک باید ادبیات کودک را از هر دو جنبه بوطیقاشناسی عمومی و تطبیقی بررسی کند.

۴. مطالعات بینامتنی: این حوزه به اقتباس، بازگویی، بازآفرینی، نقضیه، تلمیح، گفتاورد، تقلید و مباحثی که مربوط به ارجاع‌های میان فرهنگی و برهم‌کنش‌های ساده و پیچیده میان ادبیات، زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون است، می‌پردازد.

۵. مطالعات میان‌رسانه‌ای: ادبیات تطبیقی به دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای، به بررسی و واکاوی رابطه ادبیات با دیگر شکل‌های هنرهای زیبا می‌پردازد. این حوزه، موازی با حوزه مکتب آمریکایی است که توجه خود را به مطالعات بینارشته‌ای و بینارسانه‌ای معطوف می‌سازد.

۶. انگاره‌پژوهی: این حوزه، شامل انگاره‌پژوهی یا انگاره‌شناسی (تصویرشناسی) در شکل سنتی آن می‌شود که به بررسی رابطه‌های میان فرهنگی از نظر انگاره‌ها، خودانگاره‌ها و ادراک‌های مشترک و بازنمایی هر یک از کشورها و فرهنگ‌ها و گروه‌های نژادی و قومی گوناگون در ادبیات مرتبط است.

¹ Chapman

² Contact and Transfer Studies

³ Comparative Poetics of Children's Literature

⁴ Intertextuality Studies

⁵ Intermediality Studies

⁶ Image Studies

۷. **مطالعات تطبیقی گونه‌های ادبی**^۱: این دسته از پژوهش‌ها، همان‌طور که از عنوان آن پیداست، به مطالعه تطبیقی گونه‌های ادبیات کودک، مانند ادبیات دخترانه، پسرانه، ادبیات کتاب‌های عروسکی و... مربوط می‌شود.

۸. **تاریخ‌نگاری تطبیقی ادبیات کودک**^۲: این حوزه به بررسی تطبیقی پیشرفت مطالعات ادبیات کودک در کشورهای گوناگون، تاریخچه و شرح گوناگونی‌های ادبیات کودک گرایش دارد و شاخه‌ای از تاریخ ادبیات‌نگاری در مباحث نظری محسوب می‌شود.

۹. **تاریخ تطبیقی مطالعات ادبیات کودک**^۳: این حوزه به بُعد فرانتقادی ادبیات تطبیقی کودک برمی‌گردد و باید به توصیف رابطه موجود میان وضعیت نهاد ادبیات کودک در کشورها، سطح پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه و تأثیرهای بین‌المللی پردازد و در گفت‌وگو و دادوستدهای دانش در میان فرهنگ‌های گوناگون، نقش سازنده‌ای ایفا کند (اسالیوان ۱۳۹۸: ۲۹-۸۸).

فصل سوم

عنوان نسبتاً طولانی و تعلیق‌آمیز این فصل «رشد، جایگاه فرهنگ وابسته و دادوستد جهانی ادبیات کودک» و زیرعنوان‌های «الگویی از رشد ادبیات کودک»، «جایگاه فرهنگ وابسته ادبیات کودک» و «دادوستد ادبیات کودک در سطح جهانی» است. در این فصل، بحث الگوهای جهانی گسترش ادبیات کودک، همراه با نقد و استناد تحلیلی به روندهای گوناگون گسترش ادبیات کودک در کشورها صورت می‌پذیرد. سپس به عوامل اثرگذار در تعیین اعتبار ادبیات کودک، از جمله مفهوم رایج کودکی در یک فرهنگ، تجربه‌های شخصی دوران کودکی و کارکردهای هم‌پوند با جایگاه و موقعیت ادبیات کودک اشاره می‌شود. ارزیابی هر فرهنگ از ادبیات کودک خود، اثرهایی مستقیم بر جایگاه بین‌المللی آن فرهنگ دارد (اسالیوان ۱۳۹۸: ۸۹). در ادامه، بحث دادوستد ادبیات کودک در سطح جهانی به میان می‌آید؛ مهم‌ترین و پرکاربردترین عبارت‌هایی که از میانه‌های دههٔ چهل میلادی در بحث‌های ادبیات کودک تا زمان پژوهش مؤلف به کار رفته‌اند، «جهان‌گرایی»، «ادبیات کودک جهانی» و «هم‌فهمی جهانی از راه ادبیات کودک» بوده است. با این وجود، این حقیقت انکارناپذیر است که «هیچ دادوستد متنی برابر و بی‌نقصی میان کشورها وجود ندارد و روند دادوستدهای میان‌مرزی، روندی بسیار نابرابر است» (اسالیوان ۱۳۹۸: ۱۰۷).

¹ Comparative Genre Studies

² Comparative Historiography of Children's Literature

³ Comparative History of Children's Literature Studies

فصل چهارم

این فصل تحت عنوان «ادبیات کودک در فرایند ترجمه» و زیرعنوان‌های «از نظریه ترجمه تا مطالعات ترجمه»، «نظریه کودک‌محوری در ترجمه»، «رویکردی کارکردگرا و روایت‌شناختی»، «تأثیر معیارهای فرهنگی و زبان‌شناختی در ترجمه»، «فرض‌هایی درباره توانایی خوانندگان کم‌سال» و «هم‌سطح کردن تفاوت‌های فرهنگی از راه تولیدهای مشترک جهانی» ارائه شده است و به سمت جنبه‌های کاربردی و عملی متمایل و در فصل پنجم، جزئی‌تر و محدود می‌شود. این فصل با این بحث آغاز می‌شود که در قلب ترجمه ادبیات کودک، پارادوکسی وجود دارد؛ اگرچه باور غالب بر این است که هدف از ترجمه کتاب، پربرترکردن ادبیات کودک زبان مقصد و آشناکردن کودکان با فرهنگ‌های دیگر است؛ اما عنصرها و نمادهای همین فرهنگ‌های بیگانه از ترجمه حذف می‌شود و مترجم با تصور کم‌دانی و ناتوانی کودک در درک آن‌ها، آن را به میزان زیادی با فرهنگ مبدأ سازگار می‌کند؛ لذا ترجمه ادبیات کودک، کنشی تعادلی است؛ یعنی باید بین سازگارسازی عنصرهای بیگانه با سطح فهم خواننده کودک و حفظ تفاوت‌های متن ترجمه‌شده تعادل ایجاد شود:

در عمل، تصمیم‌گیران و مترجمان به سود یکی از این دو هدف متضاد، به ارزیابی آنان از خوانندگان کودک بستگی دارد: چگونه و تا چه اندازه می‌توان عنصرهای زبان مبدأ را که برای کودکان تازگی دارند و هنوز از نظر زبان‌شناسی و فرهنگی، برایشان ناآشنا هستند، در ترجمه وارد کرد و به کودکان انتقال داد؟ (اسالیوان ۱۳۹۸: ۱۲۲).

فصل پنجم

این فصل تحت عنوان «مترجم نهفته و خواننده نهفته در ترجمه‌های ادبیات کودک» و زیرعنوان‌های «عامل‌های ارتباط در روایت‌های ترجمه‌ای»، «صدای مترجم و صدای روایتگر ترجمه» و «محوشدن روایتگر متن مبدأ» معرفی شده است. تمرکز این فصل بیشتر به شخص مترجم به عنوان کنشگر این تغییرهاست تا شناسایی حضور او در متن‌های ترجمه امکان‌پذیر شود (اسالیوان ۱۳۹۸: ۱۶۶). در بخش «عامل‌های ارتباط در روایت‌های ترجمه‌ای»، بحث خواننده نهفته متن مبدأ مطرح می‌شود؛ به معنای دقیق‌تر، خواننده نهفته ترجمه، باشنده‌ای متفاوت از خواننده نهفته متن مبدأ است. موضع پیونددهی بین روایتگر، مخاطب روایت و خواننده نهفته متن مبدأ، بر عهده مترجم است (اسالیوان ۱۳۹۸: ۱۶۸-۱۶۶).

در ادامه این بحث، «صدای مترجم و صدای روایتگر ترجمه» مطرح می‌شود که مجدداً به تفاوت خواننده نهفته متن ترجمه‌شده با خواننده نهفته متن مبدأ اشاره دارد. علت اینکه صدای روایتگر ترجمه در ادبیات کودک آشکارتر از قلمروهای

دیگر است، ساختار ارتباطی نامتقارن متن‌هایی است که به دست بزرگسالان برای کودکان نوشته می‌شود. در بحث «محوشدن روایتگر متن مبدأ»، دگرگونی‌هایی که در سبک روایی ترجمه اعمال می‌شود، نشان‌دهنده سلیقه مترجم، پنداشتها و فرض‌های او درباره خوانندگان و نیز هنجارها و قراردادهایی چیره در ترجمه ادبیات کودک است که در کاهش یا گسترش روایت آشکار می‌شود؛ اما آن‌زمان که صدای روایتگر ترجمه به طور چشم‌گیری با صدای روایتگر متن مبدأ تفاوت دارد و آن را در خود محو می‌سازد، آشکارتر نیز می‌شود.

فصل ششم

در فصل ششم تحت عنوان «ادبیات جهانی و اثرهای کلاسیک ادبیات کودک» و زیرعنوان‌های «ادبیات جهانی و اثرهای برجسته»، «انتقال کلاسیک‌ها: پینوکیو»، «انتقال ادبیات کلاسیک کودکان» و «ادبیات کودک و ادبیات تطبیقی کودکان در عصر جهانی‌شدن»، ادبیات جهانی، پنداشت افراد از ادبیات جهان و ادبیات تطبیقی و اثرهای بزرگ بررسی می‌شود. از آنجا که ادبیات کودک جزئی از ادبیات فخیم به شمار نمی‌آید، آن را موضوعی دانشگاهی نمی‌دانستند و به آن در دانشگاه‌ها توجه نمی‌شد. به مرور در مطالعات ادبیات کودک، زمینه برای بنانهادن چنین اثرهایی فراهم شد (اسالیوان ۱۳۹۸: ۲۰۴-۲۰۱). وی کلاسیک‌های کودکان را دربرگیرنده سه منبع مشخص می‌داند: اقتباس از اثرهای ادبیات بزرگسال، اقتباس از داستان‌های سنتی که بیشتر ریشه شفاهی دارند و اثرهای ادبی که ویژه کودکان نوشته شده‌اند. در ذیل «انتقال کلاسیک‌ها: پینوکیو»، داستان پینوکیو، به عنوان نمونه بررسی شده است.

در مبحث «انتقال ادبیات کلاسیک کودکان»، شکل انتقال، باعث می‌شود کلاسیک‌های ادبیات کودک از کلاسیک‌های ادبیات بزرگسال جدا شوند. بایسته است این اثرها به شکلی درآیند که برای کودکان فهم‌پذیر باشند؛ زیرا آنان برخلاف بزرگسالان نمی‌توانند خوانشی «تاریخی» داشته باشند. اینجاست که خطر تغییرهای دلخواه، چه با تصور مناسب‌سازی و چه پرکشش‌سازی برای بازار جا باز می‌کند (اسالیوان ۱۳۹۸: ۲۲۹-۲۲۴). در آخرین مبحث؛ یعنی «ادبیات کودک و ادبیات تطبیقی کودکان در عصر جهانی‌شدن»، تجاری‌سازی و جهانی‌سازی، برجسته‌ترین تغییرات بعد از جنگ جهانی دوم به شمار می‌روند. نکته مهم این بخش، این است که «ادبیات تطبیقی کودکان باید ماهیت بینارسانه‌ای ادبیات کودک را بررسی کند؛ ماهیتی که خود را در همجواری فرهنگ‌های روایتی شفاهی و رسانه‌های جدید نشان می‌دهد» (اسالیوان ۱۳۹۸: ۲۳۲).

بررسی ساختار کتاب

ژرار ژنت^۱ در تبیین نظریهٔ ترامتنیت خود، در کتاب *آستانه‌ها* دربارهٔ مبحث پیرامتنیت اذعان می‌دارد که «پیرامتن‌ها همواره آستانهٔ متن هستند؛ یعنی برای ورود به جهان متن همواره باید از ورودی‌ها و آستانه‌ها گذر کرد. این آستانه‌ها، همان پیرامتن‌ها هستند» (نامورمطلق ۱۳۸۶: ۱۳۵). ژنت، پیرامتنیت را ترکیب پیرامتن‌های درون‌متن و بیرون‌متن می‌داند. پیرامتن‌های درونی عبارت‌اند از: عنوان، عنوان دوم، زیرعنوان یا عنوان فرعی، عنوان‌های میانی، اندازهٔ کتاب، طرح روی جلد، مجموعه، پیشکش‌نامه، شناسنامه، مقدمه، پی‌نوشت و... پیرامتن‌های بیرونی شامل تبلیغ‌ها، نقدها، بررسی‌ها، گزارش‌ها و... می‌شود.

پیرامتن بیرونی	پیرامتن درونی
ارتباط غیرمستقیم، متصل و باواسطه با متن اصلی	ارتباط مستقیم، نزدیک و بی‌واسطه با متن اصلی
مهارت‌شده و متنوع و گوناگون جهت نقد یا تبلیغ متن اصلی	مهارت‌شده و هماهنگ و دارای وحدت نسبی با متن اصلی
در دو دستهٔ (۱) ناشر و مؤلف و (۲) اشخاص دیگر/ دیگران از جمله منتقدان و گزارشگران طبقه‌بندی می‌شوند.	در سه دستهٔ (۱) ناشری؛ (۲) مؤلفی و (۳) شخص دیگر/ دیگری برای جذب مخاطب طبقه‌بندی می‌شوند.

روی جلد کتاب می‌توان پیرامتن‌های درونی نشان‌وارهٔ کانون پرورش فکری، نام مجموعه (کتاب‌های پژوهشی)، عنوان اصلی، نام مؤلف و مترجمان را ملاحظه کرد. پشت جلد کتاب، نام مجموعه، عنوان اصلی کتاب به انگلیسی، نام مؤلف به انگلیسی، توضیحی از مقدمهٔ کتاب (ص ۱۳) در وسط صفحهٔ جلد، اطلاعات مربوط به نشان‌واره و نام کانون، قیمت کتاب به تومان، توضیح مربوط به گروه سنی کتاب و... قابل مشاهده است.

تصویر پایین صفحهٔ روی جلد کتاب، شامل پیکانه‌های زردرنگ موازی رو به بالا و پایین، قابل تأمل و بررسی است؛ با توجه به ماهیت ادبیات تطبیقی در برقراری ارتباط، این نکته که آیا جای پیکانه‌هایی رو به هم که به تلاقی هم می‌رسند، خالی مانده است یا خیر، جای بررسی دارد.

اسالیوان در فصل پنجم، ذیل «صدای مترجم و صدای روایتگر ترجمه»، مبحث «صدای مترجم در پیرامتن» را مطرح می‌کند؛ در ترجمهٔ کتاب حاضر، از واژهٔ «پیرامتن^۲» استفاده شده است. وی به پیرامتن‌هایی اعم از پاورقی‌ها، فهرست‌ها، پیش‌گفتارها و... در حوزهٔ ترجمه می‌پردازد. به دید وی، در ادبیات بزرگسال، عنصرهای توضیحی نقش نسبتاً کم‌رنگی دارند و به‌سان آگاهی‌هایی تکمیلی به شمار می‌آیند؛ در نتیجه خواننده با آگاهی از اینکه چنین افزوده‌هایی «نادبی» و بیرون از متن هستند، از آن‌ها می‌گذرد. اگرچه مطلوب بودن یا نبودن آن، هم در ادبیات بزرگسال و هم ادبیات

^۱ Gérard Genette

^۲ Paratext

کودک جای بحث دارد؛ اما در ادبیات کودک، نگاه این‌گونه نیست؛ اولاً پیرامتن بنا بر نوع نوشته، ماهیت آن را دگرگون می‌کند؛ زیرا چنین توضیحی بر متن ادبی، برخلاف متن‌های نادبی و پراگماتیک، تأثیر می‌گذارد؛ ثانیاً کارکرد توضیح‌های بیرون از متن مانند منجیقی است که خواننده را از «فضای درونی» متن به بیرون پرتاب می‌کند و او را در موقعیت فرامتنی و فرارتباطی قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که خواننده خود را جدا از متن می‌بیند و به فاصله خود با آن پی می‌برد. تناقض میان کارکرد متن و کارکرد توضیح‌ها، نه تنها تأثیر متن را به میزان زیادی تغییر می‌دهد، بلکه به‌تمامی، متن را به متن دیگری پیوند می‌دهد (اسالیوان ۱۳۹۸: ۱۷۳-۱۷۱)؛ بنابراین تنها با بررسی ترجمه روایت است که می‌توان تشخیص داد آیا مترجم نهفته، با به‌کارگیری فن‌های روایی که با فن‌های روایتگر متن مبدأ متفاوت است، خواننده نهفته تازهای را در متن نقش زده یا خیر. بررسی تطبیقی ترجمه کتاب اسالیوان با نسخه اصلی آن (حداقل نسخه انگلیسی) از نظر پیرامتنیت/ پرامتنیت، در این مجال نمی‌گنجد و این پیشنهاد، پژوهش و مقال مجزایی می‌طلبد.

مقاله جلالی (۱۳۹۴) تحت عنوان «مبانی نقد بینامتنیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان» در ارتباط پیرامتنی از نوع برون‌متنی با کتاب قرار می‌گیرد که نسخه انگلیسی کتاب، یکی از منابع مورد استناد مقاله پیش‌گفته است. در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۹۹ مترجم کتاب در گفت‌وگویی، این توضیح پیرامتنی از نوع برون‌متنی را افزوده که این پژوهش در ابتدا تز دکترای بوده و بعد به کتاب تبدیل شده، از آلمانی به انگلیسی و بعد به فارسی ترجمه شده و مشتمل بر مبانی نظری قابل پیاده‌سازی برای همه کشورهای است و مختص کشور خاصی نیست.

در ارتباطی پیرامتنی، یکی از نشست‌های مربوط به کتاب، از طرف کارگروه ادبیات تطبیقی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران در تاریخ ۱۸ مهر ۱۴۰۰ برگزار شد (دومین نشست از سلسله نشست‌های نقد و بررسی کتاب‌های حوزه ادبیات تطبیقی). در این نشست، کتاب حاضر از حیث ساختاری و محتوایی بررسی شد.

از نکات برجسته کتاب، می‌توان به واژه‌نامه‌ها، اعلام و منابع پیشنهادی برای مطالعه اشاره کرد که در برگردان آن‌ها، تلاش و زحمت زیادی صورت گرفته است. دقت قابل تحسین مترجمان، سبب شده است تا با عرضه یک کتاب نظری که یکی از منابع اصلی مطالعه دانشجویان محسوب می‌شود، کمبود منابع کمتر شود. پیشنهاد می‌شود کتاب، بازخوانی و طی بازبینی، اصلاح شود؛ به طور مثال خواننده در فهرست، با واژه «فهرست» و در زیر آن، به ترتیب «فهرست تصویرها»، «درآمد» و «مقدمه» مواجه می‌شود؛ فهرست تصویرها مجدداً در صفحه ۹، بعد از اتمام فهرست مطالب، به طور دقیق گنجانده شده است؛ پس معلوم می‌شود که واژه فهرست تصویرها در صفحه ۷ و بعد از واژه فهرست، به اشتباه آمده و زائد است و باید حذف شود. ساختار فهرست‌نویسی نیز، بدین صورت است که ابتدا فهرست مطالب و بعد فهرست تصاویر، درج شود. بهتر است به تبع «فهرست تصویرها»، واژه «فهرست» در

صفحه ۷ نیز به «فهرست مطالب» تغییر یابد.

در ذیل فصل دوم که نه حوزه پیشنهادی اسالیوان برشمرده شده، به اشتباه، ده شماره ذکر شده است و شماره ۱۰؛ یعنی «هم‌پیوندی حوزه‌های گوناگون مطالعات تطبیقی»، همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، جزو نه حوزه پیشنهادی اسالیوان نیست و یک عنوان مجزا در ادامه مطالب مربوط به حوزه‌هاست.

طبق فهرست کتاب، صفحه ابتدا و انتهای فصل‌ها مشخص نیست؛ در فهرست مطالب، عناوین فصل‌ها، شماره صفحه ندارند و زیرعنوان‌های فصل‌ها دارای شماره صفحه هستند؛ به عنوان نمونه در فهرست مشخص نیست فصل دوم از چه صفحه‌ای شروع می‌شود و اولین زیرعنوان از صفحه ۳۱ آغاز می‌شود؛ لذا اولین گمان خواننده این خواهد بود که آغاز مطالب فصل دوم از صفحه ۳۱ است؛ در صورتی که از صفحه ۲۹ تا ۳۰ درباره دسته‌بندی نه‌گانه و تمهید ذهنی مخاطب برای این طبقه‌بندی، مطلب گنجانده شده است. به طور زنجیره‌وار، این سردرگمی یا ابهام مربوط به ساختار و چینش مطالب و عناوین، از تفکیک و مستقل نشدن عناوین و زیرعنوان‌ها نشأت می‌گیرد. از طرفی، عناوین فرعی زیادی در متن کتاب و فهرست کتاب، نادیده گرفته شده‌اند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که چینش عنوان‌های اصلی و فرعی و زیرعنوان‌ها در صفحات کتاب بازبینی شود؛ بدین صورت که به طور مثال، فصل‌ها و به تبع آن‌ها، زیرعنوان‌ها شماره‌گذاری شوند و اصل و فرع آن‌ها مشخص شود.

پیشنهاد دیگر این است که اگر دلیل حذف عناوین فرعی در فهرست مطالب، رعایت ایجاز و اجتناب از طول و تفصیل فهرست بوده یا فهرست مطالب در نسخه اصلی (انگلیسی) بدین گونه بوده است، بهتر است دو فهرست ارائه شود؛ یک فهرست، اجمالی و مطابق با همین فهرست مختصر و کلی (که خواه به تصمیم مترجمان بوده، خواه مطابق با نسخه اصلی کتاب) و یک فهرست تفصیلی و گسترده که تمامی عنوان‌های اصلی، فرعی و زیرعنوان‌ها را (خواه با شماره‌گذاری دستی، خواه با مرتب‌سازی در نرم‌افزار word، از بخش Headings) شامل شود.

پیشنهاد دیگر این است که در کنار شماره صفحه در متن کتاب، فصل مربوط به آن نیز درج شود تا خواننده، زمان مطالعه هر صفحه از کتاب بداند در کدام فصل قرار دارد و زیرعنوان چه فصلی است تا برای یافتن مطالب، سرعت بیشتر شود و سردرگمی کمتری به وجود آید.

همچنین در اوایل کتاب، دو مقدمه در عنوان‌ها قابل مشاهده است؛ مقدمه اول به قلم خسرو نژاد و پورگیو (مربوط به مرکز مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز) و مقدمه دوم از مؤلف اصلی کتاب است؛ لذا بهتر است برای مقدمه اول، عنوان «سخنی با مخاطبان/ خوانندگان» یا عباراتی نزدیک به آن، جایگزین شود تا از مقدمه دوم که مربوط به کتاب اصلی است، تفکیک شود و تداخل و التقاط ذهنی صورت نگیرد.

در مجموع اسالیوان می‌کوشد ضمن ارائه دست‌بندی حوزه‌های بنیادین پژوهش در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، بر این مطلب صحنه بگذارد که آن دسته از پژوهش‌های ادبیات کودک که رویکرد تطبیقی را نادیده گرفته‌اند، در برخورد با حوزه‌های پراهمیت، چندان کارآمد نیستند؛ زیرا اگر مطالعات ادبیات کودک نتواند دامنه خود را تا سطحی فراملی و جهانی گسترش دهد، خود را محدود می‌کند و دیگر نمی‌تواند به توضیح و توجیه این واقعیت پردازد که آثار ادبیات کودک چگونه مرزهای زبانی و فرهنگی را درمی‌نوردند؛ لذا باید بر تمایزها و تفاوت‌های ادبیات کودک نسبت به ادبیات عام متمرکز بود؛ زیرا ادبیات کودک، رویکرد تطبیقی ویژه خود را می‌طلبد؛ رویکردی که در حوزه‌های ویژه‌ای با جریان عمده ادبیات تطبیقی تفاوت دارد. از آن جا که رویکردهای تطبیقی در ادبیات کودک بیشتر در انزوا رخ داده بودند و این حوزه، مجموعه منسجمی از دانش و اطلاعات را نداشت، کتاب حاضر، نخستین تلاش در راه بنای زیرساخت‌های این قلمرو است (اسالیوان ۱۳۹۸: ۱۳-۱۴).

سارا ذبیحی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه

Sarah_Zabihi@phd.guilan.ac.ir

گیلان، رشت، ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اسالیوان، ایمر (۱۳۹۸). *ادبیات تطبیقی کودکان*. ترجمهٔ مریم جلالی و محبوبه فرهنگی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- جلالی، مریم (تابستان ۱۳۹۴). «مبانی نقد بینامتنیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان». *جستارهای نوین ادبی*. دوره ۴۸. شماره ۲ (پیاپی ۱۸۹). صص ۱۶۶-۱۴۱.
- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۸۳). *معصومیت و تجربه (درآمدی بر فلسفهٔ ادبیات کودک)*. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶). «ترامتنیت مطالعهٔ روابط یک متن با دیگر متن‌ها». *پژوهشنامهٔ علوم انسانی*. شماره ۵۶. صص ۹۸-۸۳.
- O'Sullivan, Emer (2002), "Comparing children's literature", *gfl*, No. 2, January, Pp. 32-56, link: <https://www.researchgate.net/publication/253428293>
- O'Sullivan, Emer (2005), *Comparative Children's literature*, London And New York, Routledge.
- O'Sullivan, Emer (2011), "Comparative children's literature: Theories and Methodologies", *Publications of the Modern Language Association of America (PMLA)*, V. 126, N.1, Pp. 188-196.

Emer O'Sullivan, *Comparative Children's Literature*. London And New York: Routledge, 2005. 220 pp. ISBN 9780415564120

Sarah Zabihi¹

Abstract

Comparative Children's Literature written by Emer O'Sullivan, was her post-doctoral thesis in German under the title *Komparatistik Kinderliterarische* for receiving a professorship in the German higher education system. The *Comparative Children's Literature* was the finalist of 2001 biennial award of the World Association for Research in Children's Literature. This book was translated from German to English by the author. Maryam Jalali and Mahbubeh Farhangi translated it from English to Persian and was first published in 2019 by the Institute for the intellectual Development of Children and Young Adults. As her research shows (2002; 2005; 2011), O'Sullivan has continued her efforts in the field of children's literature and comparative studies. *Comparative Children's Literature* includes both theoretical foundations and applied research. In this article, the structure and content of the book have been reviewed.

Keywords: Children's and Young Adults' Literature, Comparative Literary Studies, Comparative Children's and Young Adults' Literature, Emer O'Sullivan

O'Sullivan, Emer (2002, January). "Comparing Children's Literature". *gfl*, 2, 32-56.

O'Sullivan, Emer (2005). *Comparative Children's Literature*. London And New York: Routledge.

O'Sullivan, Emer (2011). "Comparative Children's Literature: Theories and Methodologies". *Publications of the Modern Language Association of America (PMLA)* 126 (1), 188-196. 10.1632/pmla.2011.126.1.189.

¹ P h.D Student in Persian Language and Literature, Guilan University, Rasht, Iran
Sarah_Zabihi@phd.guilan.ac.ir